

گرمی گلخانه کرده بود شبستانه ترشح باران خوبی شد و در روزی از آنکه
 باران آمد این روزها خشک شده مردم اندکی آسوده اند عرض طامون
 از گلخانه رفت خود را بسته است و در روز آخرین روز بود اگر کسی بخواهد
 شود تو این طامون از گلخانه برشته شود فقط حکم فرمایند بیست و نام
 کسایکه درین راه مانده و برای کرده اند حکومت علیه طلب کرده معلوم است
 که سوزاننده تو این طامون را بر آورده ولی میماند تا بعد از موسم برآید بود
(تلگرافات خاصه)

پانزدهم جمادی الاول از لندن - بوجیب خبر وقایع خار و دیلی تلگراف
 سردار کچیر پاشا پانزدهم روانه لندن خواهد شد
 بقول سردار کچیر موصوف و اینکه سردار کچیر وارد قزوین شده سردار فراهان
 در جبهه پاریس، نهایت با خوش اخلاقی پیش آمد و بشیفته شرای هر لیبیان را
 پرنیازی کرد من باب قبضه قزوین اظهار داشته که فقط حکم پاریس است
 صرف یکصد و پنجاه نفر از پیشان تحت فرمان او هستند و پنج افسر فرانسوی
 موجود است ظاهر قبضه قزوین و چندان اجمیت ندارد
 قبضه وارد کرد ارف سو و اینها مملکت بر قشون انگلیس کرده شکست خورده اند
 شانزدهم جمادی الاول من باب فساد کچیر ابراهیم کیکا (ادول دیلی)
 چهار جنگی خود را فوری به دستلطن کرده اند نموده و یک چهار جنگی
 دیگر ارمیکان نیز روانه به دستلطن خواهند شد تا مخالفت رعایای خود را
 بطریق کامل بنمایند

خدیو صیقل از دور و باسلامبول توسط یرم مخصوص خود او را نظای
 خارجه را سلام نموده بکند تا با هر یک ملاقات کرمانه نمود تا در
 زمانی صحبت کرده اند بعضی با یکدیگر که در اواخر خدیو صیقل (دهوس)
 که بقول آباء او است از دولت علیه خواشکار است
 به نظر هم حسادی اول بوجیب خبریکه از کچیر رسیده است سفارت آلمان
 بیست خطه حسدی خود چند دسته سر بار دیگر طلب کرده است اگر چه
 اندیشه اقتشاش فوری نیست ولی حالت نازک است
 وزیر تراپون که بیچکن آمده بود سعادت کرد و میگوید که فلان کاسیاب
 شده است
 دولت همین معانی خواسته است از آنکه بی سفارت ارمیکان فو کچیر
 او نموده اند
 ایستادن سلطان را یون شاهی حوت ملوکا از اول الا حضرت خدیو فرموده

برای اول ما در روز باسلامبول ملاقات کرده و حاضر شده اند
 وزیر ایسپانیاسن با بشیخته صلقت شده میگویند خبر این معالمت با بشیخته
 قشون ارمیکان در دوران جنگ با ایسپانیاسن بی تندی را نموده اند لهذا
 بیست مخصوص و تحقیقات مقرر خواهد شد

بیرق مایج کرزن نهم و همب از لندن در لوفین حرکت خواهد کرد
 پرنس اف ویزو و لیسبه انگلستان از ک راحت شده با صی با میروند
 بوجه هم وزارت خارجه بین اعلان داده است که خبر فوت شاهان چین
 و ایک تمامه کامل میانه شاهان و ملکه چین میماند

افزاه است که (مترجم گین) با یکصد نفر قشون ارمیکان در مقام (منی سوتا)
 قتل سیده اند
 نوزدهم کتبه سیکه از اول عظام ارموز با بانی پیش شده ظاهر میدارد که دولت
 علیه عثمانی باید در عرض پانزده روز قشون خود را از کزیت طلب نماید و در
 یکماه کزیت از قشون عثمانی خالی باشد

قشون کارو که در جنگ روانه رفته بود از امروز وارد دواترله شدند
 جم غفیری بجهت تماشای آنها در شایع عام جمع بوده پرنیازی بسیار مخصوصاً از آنج
 سردار کچیر وارد مصر شده با کمالی احترام استقبال مصلی از او شده تمام وزرای
 سیاسی خارجه اعلی سینه حضوره انگلیس در انگلستان را آهین حاضر بوده سپید
 انگلیس هم در شایع عام رده بسته بودند

تحقیق خبر سیده که در بلوای (منی سوتا) جنرال لیکن گفته شده صرف یک کتبه چند
 سپاهی قتل سیده جنگ با ایسپان بوده قشون نیز با او جنرال لیکن رفته است
 فرانسه هشتصد نفر قشون دیگر روانه کزیت کرده
 وزارت بین شخصاً سفارتخانههای فرانسه و اتریش به کدول عظام جنرال لیکن
 خود را بکن طلب نماید پدیدین قشون خارجه اباب خوش شهر خدیو حسنه انگلیس
 دول قبول نموده بر عکس خواهش کرده اند که اباب مبولک بیست پیدین حسنه
 جنگی آنها وزارت چین بفرزاهم آرد

بیست جمادی الاول بهتقد نغز ایسپانیا صدر میماند تا هر بار او قناده
 ۶۶ نفر از قشون روس با وعده توپ کر و پد ۲۵ نفر قشون انگلیس و سی نفر
 قشون آلمان از روز داری کچیر شده بکمال آمده اند مردم به خوف زده بودند و از
 و نزدیک تماشای کرده و تراپون هم دو چهار جنگی خود را حکم چین
 اجازت مینویسد فن غالب است از قشون انگلیس که کاسیک بیست و یک نفر
 سردار کچیر که بر ج لقب یافته خطابش را در نظر خواهد بود

اجبات داخله

بوجوب اخبار که از مالکند رسیده است باز میانه نواب ایران نوکی
سیدان مخالفت باینکه کشید و از طرفین شروع صحیح آوری توفیق شد
در امنیت ظل عظیم است صورت مخالفت جنس طرفین است میان
خان نوکی و خان پاشا هم اختلاف افتاده است حالت برسد

نازک صلح شود

در آغوش که گشته متصل شاه تاجکی بازده نفر از طایفه در زیر کبرج نغز
لازمین سگاری جسد برده یک نفر را مقتول دو نفر را مجروح کرده که
آنها را بر کرده داشته فرار کرده اند چا پارچی پوست هم شامل آن جنم بوده
جسماتی از سواران جسد آوران را دیده بر آنها حمل آورده شلیک
تنگ نموده اند ولی احدی از آنان را گرفتار نکرده و صدمه زبیده است
فوری هر چند ار کرده اند

در در گریام که متصل دوازده شهر ایما شد بگویند برو ظاهر شده
نوا شهر و گریام از مصافات جانند راست

چند بوم قبل در بمبئی باد و باران بسیار سختی شده بود باران زیادی
باریده است

حکومت بمبئی تمام شهر جاری میسازد فانه های طاعونی را ملاحظه کرده
و مسلمانان مجسد و ایما فانه جدیدی آماج کرده اند

در امارت میسور معدن سنگی پیدا شده که بعد از الماس از تمام جواهرات
سخت تر است مردم ازین سنگ آهن و جواهرات را صاف میکنند بکنک
تجزیه شده که سنگ مگر را بلند فرستاده و کارهای میخند و دیگر کارها

از گوته به تاسیدان که واقع در خاک ایران است سلسله آتش پوست
جاری شده ولی اجسنت پوست خیلی زیاد است فی هر خطی چهار

از سیام (دسترهای ستان) در اوت برآمده که گاه اصول تواحد
سرسشته تنظیم رسایه نماید تا در سیام هم تقلید شود چنانچه سابق هم
بودیم تمام مدارس هند رسایه خواهند کرد

عدالت که در اس از مسکه خطا الصحر شکایت کرده است که بر اقتدر
بر کار ناماش کرده وقت عدالت را خراب میکند

بر حسب اطلاع دکن که در فوآب و بسای فرانسه در هند رفته اخبار خود را
مجدد و شایع کرده است از و الا حضرت نظام دکن حکم صادر شده
که در قلم رود کن چهار موصوف ممنوع از دخول باشد

سرولیم لاکهارت بهسا لاقنون هند هشتم نومبر وار و سله فراموش
دور او وسط نومبر دوره خواهند نمود و او را و او را و پشاور خواهند کرد
دستر ای اف دی گنگهم از سله عازم تیار و شیکه و جنس ابرق
از شرایط و فصل و دره غیر واقف نماید شرایط و دره غیر را ۲۲ فرید بهان
شونایند بایمیم وار و پشاور خواهد شد

فصله فقرای هند شانزدهم نومبر در گون و نوزدهم در سنده و در با
لیوی منقده خواهند فسد نمود ۲۹ نومبر در دهاسو و در ارقام خواهد بود
در باره روسای سرحد از قوم کاجن هم در عوینا

سیکوندا اختلافات میان هند و مسلمان در کشمیر رفع شده است
اراز گوشش بزکان قوم بوده است

در امارت میسور هم متظام طاعون میشود با کمال خشی و رعایت رعایا
باید که بی داده اند

اسال زاید برده و هزار نفر در بنگال سیاحت کشید آمده اند بیسج سال
ایقدر سیامان اروپایی بکشیرنی آمد

سال گذشته از سعادت هند و بستان چهار میلیون تن زغال سنگ بیرون
آمده قیمت زغال های مذکور دوازده میلیون و چهار صد پنجاه هزار
روپی عیلم آمده است (مرا به شروت ملکت سعادت است اگر خود
تحت در آنها کار بکنند

در بمبئی سال گذشته سی و پنججانی بود که سرمایه تمام آنها دو بیست و دو میلیون
سجای آمده اسال ای کجانی جدید در مسکه مخصوص دولتی سفارش شده
آری مردان و نهند نفع تجارت را در کجانی دیده اند شریعت ملهه آنها
تجیدات زیاد در فوآب و منافع تجارت شسته که کجانی باشد فوآب
ولی سلیقه ما اهل ایران بر خلاف شرع عرف است فوآب بیست

با رعایت فوآب
نموده و کسی که در کشمیر عفت فوآب میان هند و مسلمان شده بود اول از
پیشینه و کالت محروم شده ثانی بمسکه وزیر سیاسی دولت انگلس شهر بر کرده
فن قابلیت که اسال برای سرحد کشمیر زیاده شود در بمبئی از دوه و ابرف
اوقات است

با رعایت فوآب
نموده و کسی که در کشمیر عفت فوآب میان هند و مسلمان شده بود اول از
پیشینه و کالت محروم شده ثانی بمسکه وزیر سیاسی دولت انگلس شهر بر کرده
فن قابلیت که اسال برای سرحد کشمیر زیاده شود در بمبئی از دوه و ابرف
اوقات است

با رعایت فوآب
نموده و کسی که در کشمیر عفت فوآب میان هند و مسلمان شده بود اول از
پیشینه و کالت محروم شده ثانی بمسکه وزیر سیاسی دولت انگلس شهر بر کرده
فن قابلیت که اسال برای سرحد کشمیر زیاده شود در بمبئی از دوه و ابرف
اوقات است

با رعایت فوآب
نموده و کسی که در کشمیر عفت فوآب میان هند و مسلمان شده بود اول از
پیشینه و کالت محروم شده ثانی بمسکه وزیر سیاسی دولت انگلس شهر بر کرده
فن قابلیت که اسال برای سرحد کشمیر زیاده شود در بمبئی از دوه و ابرف
اوقات است

با رعایت فوآب
نموده و کسی که در کشمیر عفت فوآب میان هند و مسلمان شده بود اول از
پیشینه و کالت محروم شده ثانی بمسکه وزیر سیاسی دولت انگلس شهر بر کرده
فن قابلیت که اسال برای سرحد کشمیر زیاده شود در بمبئی از دوه و ابرف
اوقات است

با رعایت فوآب
نموده و کسی که در کشمیر عفت فوآب میان هند و مسلمان شده بود اول از
پیشینه و کالت محروم شده ثانی بمسکه وزیر سیاسی دولت انگلس شهر بر کرده
فن قابلیت که اسال برای سرحد کشمیر زیاده شود در بمبئی از دوه و ابرف
اوقات است

(فارس)

بوجهیکه اداره جنرالین اطلاع رسیده و بعد از آنکه فارس شامل اداره ایالت نواب شرف والا حضرت ایالت کربای فارس شده است جناب عالی آقای مجید الله را امیر فرمان عالی شمشیر رتبه کزمنی امیرت است

همایون شاهنشاهی مکه الله تعالی سلطان بجهت ایالت کربای فارس بود و اجازت شایسته هم دیده و مگر آقا ایشان را بطهران طلب کرده اند چند روزی بود که در آن صولت السلطنه که این کی تقاضای بود با برادران خود و سایر خواصین و کلمات آن نزاع داشته و از طرفین جسی هم قتل رسیده بود چون از جانب ایالت کربا حکومت داشت ادوا فرستاده بودند که هم در دو هفته مقام سر راه گذارده و تکیه داد که بی غلی حاصل نشود بجهت آنکه شکوئی طرف کرم سیرات قریب رودگان که در آن منظره بعد از آن صولت السلطنه موجود بود و بجهت کمال شوق کعب بود با توبه تفکک هجوم کرده این شکوئی با اموال زن در جناح حرکت بودند که کرده تمام اموال آنها غارت رفت غالب زندهای آنان نیستند و گسسته کرده اند و مقتولین معلوم نیست ولی زمین می توان انداز کرده که بعد از آن دو بار جلوارای بجهت کعب فرستاده است میگویند اهل او را رسک شده بود که جسد کبری کنند در ساپور میانه و الوار و شکوئی نزاع شده از طرفین تهریب است بی نظر گشته شده اند امید است که محاسن تهریب رفع تمام غائلات ایالت بشود و عاقل مردم آسوده شوند

این ایام در شیراز با زبانی صحنی شرار تها را اشرار که از ده بودند از قبیل زخم زدن و قتل کشیدن و غیره و غیره از توجیه ایالت جلیله فارس کارها رفع شده و میشود

چند روز قبل میانه طلاب بازار ایران اختلافی افتاده اهل بازار بود که رسیده آمده و دروازه را بجهت کرده طلاب را بقدر واقع زده آن چنانچه آقا شمع محمد طاهر که جمعه آن محله و امام جماعت مسجد در رسیده بودند زخم کاری بر داشته اند

باید ایالت جلیله فارس کمال توجه و تدبیر را در ازانی اوزان کارها و بیسره بلکه از کشته قوت خود هم سلبی صرف کرده و میکنند و بعد از آن و المانع هم نسبت بنزوات سابقه در فارس کشته بوده و حال هم معلوم شده است ولی از ظلم محکمین بی انصاف این وقت فکر نیست بنزوات سابق کران است

اگر بنده نام محکمین را بیاورم شاید شانه نویسد و بهتر چشم هست که نام نیارم همین قدر بگویم بدون اینها هر کس دور و بولی داشته است بجهت آنکه از ده فخر رسیده انبار کرده و میکند و مردم حیا را تحلیف اند ایالت جلیله آنچه لازم است قوت و عدوت است هر دو میکنند مردم مردم بی انصاف اند

(جبل المتین)

عمل حکم عجب گشتی در ایران روشن کرده است از هر نقطه که در وصف فریاد از ظلم محکمین دارد لطف دیدست که ایرانیان شب روز بجهت میگردند و بعد از هر شب در سباده موهف میستند و خود را مسلمان کامل تصور میکنند و خوشتر از پای بند با حکام شرع میشدند صد الک اینقدر بازار احتکار را گرم نگاه میدارند افسوس هزار نفر محکوم که این بی انصافان تصور میکنند که هیچی را که از احتکار حاصل نمائند خون برادران آنها در غوب عالم کرگرتی بگریانی و قله و چار ستونه اهل غوب با تبارین تهریب و بعد المشرقیین به اعیان بجهت مجیمان خود جسی می نمایند ولی محکمین ایران بجای امانت خون برادران خود را میوزنه اشخاص در عمل حکم را اقدام دارند که از شر نام آنها و میتوایم ذکر کرده دای بوقی که بگند و ننگ

(قابل توجه علمای اعلام ایران)

اینکه چندین لازم نیست بیان کنیم که از روی شرع مقدس اسلام چه عمل حکم از موم است این احکام مقدسه اسلام و تاکیدات اکیده شرع مقدس این قدر عمل حکم در ایران بلا کبر و بافت بدنامی و شکستگی ملت و مذمت در نظار خارج و داخل اگر در مواضع مردم را ناکید در منع است حکم فریاد و مذمومات او از روی شرع مقدس ظاهر نمایند و در نیست برکت است که چون علمای اعلام بی معلوم احتلاق ملت میباشند اصلاح این صفت تهریب ملت هم عرض آنست امید که درین ادو توجیه مخصوص مبذول دارند و ایالت سیکه هم از مردم تهریب

کریست

بوجب مکرر اف رو تر آفراده مردول را رسیده روس فرانسیه طالبان و تهریب بی باک نوشته خواهش نموده اند که دولت علی عثمانی در میانه زنده بنیاد قشور هم از ابرو کریست طلب نماید تا ماهه لازم است که تمام قشور دولت عثمانی را کریست تا خارج شوند معلوم نیست آیا چه جواب داده خواهد شد است که دولت علی عثمانی در از ابرو طلب فرماید مالا باید دید که دولت بعد از آن در مواضع قشور خواهند کرد و ایالت

مقاله تباح ايراني با شخص هندی روز دوم عنوان چهارم

هندی می بفرماید که زود گوئی شود در میان رجا یک کلام محکم رجوع او اینها
 ایرانی - بحکم شرع و عرف
 هندی بد گوئی که خطاب بد و محکم رجوع میشود
 ایرانی - در اختیار عارض مدعی است بهر که دعای خود را تقدیم نماید
 در جهان محکم کار روانی میشود
 هندی - اگر فاشهای حکومت یا بران دولت کسی تندی و زیادتی
 نمایند طرف مقابل کدام یک ازین دو محکم باید رجوع کند انصاف شد
 ایرانی - فاشه شان حکومت یا بران اگر کاری کنند بی جهت نخواهد بود
 ملک و قیام امنیت است هیچ محکم مسئول نخواهند بود
 هندی - اگر خطاب یکی از رجا یا ظلم و تعدی ایشان راجع کدام محکم است
 ایرانی - خطاب اینچنین میکنند بموجب تکلیف خود میکنند و بملایم
 از جاسوس همگانی حق گفتگو باز پرس از آنها نیست
 هندی - اگر یکی از افراد رجا یا یکی از خطاب تندی زیادتی کرده
 زود گوئی نماید چه خواهد شد
 ایرانی - تو این خطاب علوم و دینیه تو این شریعت است او تو این شریعت
 فاداه عالمی مستلزم از او نخواهد است حال هر کسی سلوک او چه میشود
 هندی - اگر یکی از رجا یا بر سر باز یا فرانش زیادتی کند چگونه محکم
 درباره او میشود
 ایرانی - میل محکم عرف قبیله می شود
 هندی - اگر در نظر رجا یا با هم زود و خورند نمایند شرم رسیده و صد
 با فکرم محکم باید شکایت شود
 ایرانی - اگر از حساسه های یکی از خطاب آواره و رسمی رجا عالم دنیا
 عالم شهادت باشد بلکه شرع رجوع خواهد کرد و اگر بیگانه دور دیوان غایب
 بدیهه مستخدم باشد محکم عدلیه عارض خواهد شد و اگر خود شخص بیگانه
 و غیره آواره در تلافی باشد که دفع ظلم از خود نماید لازم برضایت
 خود خواهد کرد که دفع ظلم و شتم از خود بیا سکت
 هندی - جاب آقا صاحب دست فرود به تفصیل فرماید که کدام است
 میباشد که دفع ظلم از خود نماید و رجوع محکم شرع و عرف میباشد
 بکنند تا خوب بدانم

ایرانی - مجموع بیست منفه اول رعایای دول طرف دوم چهار
 ضلع و چهار سوادت عظام جلال کرام مجسم سرای
 دولت ششم خازین دولت قری هفتم رعایای دولت ششم اوایل
 و اراذل نهم خزینت های شهر ایساں سو قیامه دهم عدلیه
 یازدهم عملیات فاطر خانه دوازدهم عملیات لویه سیزدهم مشاغل
 چهاردهم آقا باشی پانزدهم روضه خواهاش نوزدهم شراعت بیستم خیار
 زانوه کارآمده اند بیست و یکم کسایک ریسه این اصناف بیست و دویم و کاروان
 کاروان چهار بیستم سواران و قرا سوا نهایی دولتی
 هندی - بیست و یکم اصناف ذکر شد اگر کسی چیزی یاد کند و محکم شرع
 یا عرف عارض شود چه کند کار روانی میشود
 ایرانی - اگر عارض محکم شرع در حال خود کند و ظلم نماید قانون شریعت
 صدود و تنذیرات تشریحی بر ظلم و مستکباری می شود و اگر محکم عرف
 عارض گردد از جانب دیوان با موزنه ستاد و مصلحت راجع به کسی میکنند
 هندی - و محکم دیوان چه نوع مدق کند بی مصلحتی علیه نبوت
 ایرانی - از کراه و به ثابت میگردد
 هندی - اگر مدعی علیه و مصلحت از عرف دیوان فرار کند چه خواهد کرد
 ایرانی - او میشود که فاشه شهادت و دینیه مستقیمه تا مقصود
 هندی - در خانه مقصد اگر عنوان سواران باشند فرانش خواهند رفت
 ایرانی - بی
 هندی - خطه از زمان میشود
 ایرانی - نیز
 هندی - بعد از نشستن رجا فاشها میکنند
 ایرانی - بی جهت طلب منفعت خود با مشاغل شکستن در جنبه عنوان باید
 هندی - خردا که فاشه شهادت محکم قدیر است
 ایرانی - نیز بدست صاحب کان فاداه است اگر بیگان و بتدارک خرداک
 فاشه اشغال بود که بی هیچ تضرر منتهی و اگر خلاف میل آنها قرار شود از
 اسبابهای فاداه آنچه را که صلاح است افزوده بصرف مکرول و مشروب خود
 خواهند کرد
 هندی - هر فرانشی چه قدر دور و یا بی حساب گیرد و خرداک آنهاست
 ایرانی - از طرف محکم عدلیه دیوان مدعی برای خرداک آنهاست
 اگر فاشها نصف با خود آید و روی میکنند و خرج زیادتی نماید

که در آزادی قدرت و ترقیت این فتره در نخستین درجه دقت کار
و لازم است اولاد و وطن از ایمان و تجار و مجال و خلاف و فلاح چوپان
و اهل شهر و روستا و باینه نشین در مسئله حقوق مساوی بینا امیر و ایزری
په اسم و رسم اگر مدعی یک چوپانی باشد باید خود را با چار از فرجحت بگری
که در وقت از برای دعای حقوق شخص و مسین مندرود بداند و معین
مسئلات آن و اثره هم باید در تحت قیود قانون شریعت بوده باشد
از نسبت دو امر حقوق و جسد او جنایت اگر تجار و بافراض و اهل مالی
در احقاق حق مخفی در شدد و طلب و چنانچه در زده بروز نماید و
بسکومت و کتبه مراجعت نمایند در رسیدگی و احقاق حق خود داری و
در کار بنامه مثلاً معامله جنس و اجنایت و اثره منصوص آن در کیفیت حکم
و یا در تفریق و استتطاق و یا اینکه در مسین طلب یا و سیکر نمودن از طرف
صاحب قاعده زده تجار و زنده بوده و تلف از زده و قانون را و احضار
و بر حسب سبب و زای معلوم باشد که کسی برون می کند جز آنکه او دیده شده کسی در
در جرمه و یا در کان و یا چار و یا در خانه خود نشسته و کار خود مشغول است نباید
احدی را زهره و شجاعت و حقوق او باشد حسب اتفاق اگر اموری از نظر
حکومت جهت طلب او و یا بجز رساندن طلب نامر مقصد بهر چه خیر باشد
و مقتضای قانون شخص هم مقصد نباشد که از امر حکم تجار و زنده و در مسین
معلوم حکم حاضر شده و در اثر و حکایت قانونیه سوال جواب خود را
بنامه و مظلومات و استتطاق خود را بداند تا استتطاق زاده و در
حکمر رسیدگی شده کسی مقصد نیست که بخلاف قانون او توقیف و یا
نگذیر نماید

و من مخمومی در کار راست جبهه و گوش همیانش برود و میفرماید
ایستاد و انا فانا غیرت نموده و در اعمار ملک و وطن غیر خود میگویند
تا آباد و از دستور گرد و در عکس مطالب بهمان نسبت تفریق نمود
نوشش طبیعت است در احتمال ملک فساد و ایران و دولت ضعیف
و ناتوان میگرد

چنانچه در شرع و حکمت و علم و دانش خود سعادت و سلامت یک
ملک حصول امنیت است در هر کس از برای هر چیز سنی روح هر دولت است
و ملک ملت امنیت است چنانکه امنیت شده دولت و آن ملت از هیچ
خی حسه امانی سکومت را میستایند و امانی را شروت و ملک را
عزیز و دولت را قدرت استقبال نموده و در می یابد

گروه در می بسیار
(بند ششم)

و قایع محاربه المین میسر شده از جمله وقایع عمده این ملک امنیت بر
مثل شهید سردار و که در ای هر نوع آب است از تجارت آمده و مثلاً
هر هفته اقدامه و دوازده و او پر تجاری داخل این بندر میشود و هم چنین
سپت و او پر جنگی روس همیشه در روی دریایا محال بندر آمده و میگذرد
اگر انسانی دولت علیه و تجار محرم چیزی در خیال این بندر باشند چندی میگذرد
که تالی بندر تری میشود بل با تر قابل همه نوع تجارت آمده و شد بهشت
بیمو چراسی و رسمی از امنیت گویند و شهید سردی در ایران نباشد
(استرا با و)

و قایع محاربه المین میسر شده اگر چه سبب و سوال است که بعضی
لیاقت اهل این شهر قضایای بی در پی این شهر تفاق می افتد و قضایای
ستادتر آنها میسر شده ای بواسطه مسیری بندر جگرهای بواسطه عدم نظام
حکومت... کجایی بصلت قتل و غارت تراکت که در داد و ستد بسته بندی
از بلوک قدرت آمدن شهر نه آهسته و دینداری در بازار فروش نمی شد
و این اوقات هم آلوده و سرختر زاده در احوال سلامت کرده... ظاهراً
همین مرض آلوده و سرختر تلف شده ذولی این اوقات در مقابل این فرجهها
وجود مبارک مدگلن اجل اکرم عالی آقای نصر السلطه امیر اکرم والی ملک
استرا با و در کان را بیکسانی دیالت این صفات خدا و نه با اهل استرا با و
عطافه بوده که سالهای سال امانی این بلاد آزادی و پیش از او آهسته خرد
یکسیدی با این لایب این مطلب دست داده

زیر انتقاصی جوار قانونی همین آله اند بهر حکم قانون تابع است از آن
که بنامه حسن ا قانون میدهد و شخصی شخصی بنامی تواند داد حقوق بر
در تحت تمامت حکم شرع بود پس بر هر معلوم شده با معلوم شود در ملک قدرت
و شرم نیست و نفس شخصی آسبه ای سکومت کردن میسر است از آنکه قانون
مقدس شرع را با اجرات نام میدهد و حکومت کمال رعایت از قانون
مقدس شرع نماید اموری را بر سر بنامه و رعایت این هم نموناه که یکسیدی
شرع حکمت نباشد تنها بر او دیده و با دینداری و بر کسین نامین حق
خود مقصد است

چنانکه امانی با کمال سعادت خود را در میان امنیت مطلقه کار و در زده
دیده که دولت در راهم نمودن و بید و آب اگر جهت سعادت و کمال

باری چون اکنون از فوت مبدلت تقدرات که اکنون ذات الهی منس
 همایون متع الله السلیطن معانیه و توجیحات کامله و اہتمامات شاد و شاد ہر از
 آزاد و لا یراد الا بتار نواب اشرف الافران فرما اسباب آرایش تمام قبا
 و آرایش عموم ناس آمادہ و مہیاست و خاک این خط خلی وسیع و قابل
 ہر کونہ زراعت و آبیار و خلق کارکن ہر جا رہ بہ ترقیات است لہذا
 امید میداریم کہ کارگذاران حکومت جہلند فارس و ہر مکانی کامل اسباب
 آسودگی خلق و آبادی این خط را تحصیل فرمایند از آنکہ جبل المتین روح است
 و تمدن را آیتی مبین و در ارتقا و بہارج ترقیات سلی مشید و متین است
 در بابہ اکثر ماہم کہ از فارسیان ہمینی طلب شود رای دادہ اند الحق
 یہیست حال استقبالی بہتر ازین ممکن نخواہد شد در سالہا و طلب
 جام جسم از ماسکرو آنچه خود داشت زیگانہ تمنا میکرد
 پزشکی ہای زردوشی باشندہ ہمینی اصلا ایرانی و سالہا تحصیل علوم
 طب و جراحی وغیرہ نمودہ و در تہذیب یافته و در تحت ریاست
 حکمای معظم ہزاران بیمار را تیمار و معالہ کردہ و تصدیق نامہ و سندہ
 دارندہ اشما میکہ از مشاہیر و اعظم اندیشمندان ہی زیادہ از یک ہزار تن
 سواجب داخل دارندہ و در جہ دوم و سوم در ہمینی ماہی و دویست و سی و
 دارندہ اگر در ایران ماہی صد تومان چہنہ تومان از جانب دولت بیانی
 رحمت شود کہ از شہر یا قصبہ ہم ہر گاہ داخل شہر باشند از سبب
 ایران بہجت خضرات چندان تعاونی نمیکند و اینہا قناعت میکنند بشرط
 اگر بزرگان یا حکم اکرم الضیاف را در حق اینہا کہ بسیار بہت مجری شہ
 و اقل بقدرہ یک اکرام و احترام کہ در بارہ او پیش فرنگستان سہول
 میدادند در حق این کہ وہ کہ خیر خواہ حقیقی ایران و پدربزرگ ہر سہ ہفت
 و تاج کیان و اہل حاکم ایران تربیت شدہ اند سہ اول سہ ہفت ہنگامی
 اینطرحہ صلا کہ از علاج ہمالہ در میان سہلت نور علوم و انواع فنون
 و ہنر ہای عصر جدید و قبول ہکفت در تجارت زراعت و رفع ہزاران
 احتیاج عدالت عالیہ ہر کولت علیہ نمایند چنانچہ در بلا و خرابی
 باعلی درجہ نمودہ و از زوی سہا واری سورد غایات سرکاری و
 دارای ہر باری شہوت و پایہ بریزد شکوہ و رونق مملکت ہمینی شدہ کہ
 من از منتقل این نکتہ جمعی کہ نمونہ خود مدیت منتقل ہزاران این ہنگامی
 خوشبینی ایرانیان

اشرف امیر اعظم آقا میرزا علی امین خان صدر معظم مسبب القبول
 و عام بودہ شدہ در مجال دولت ناما اورا خواہد استکار علی اعلام
 بدون استثناسکال منایت از حضرت منظم الہ دار ذماتہ رعایا گویند
 اند از زمانی کہ حضرت صدرت با خستیا رنگارہ گرفتہ بدون اخوان
 تمام وقت ایرانیہ منعم بودہ اند از وقتیکہ باز سہ مدارت ایران را
 بوجود خود زین بخشیدہ اند کہ با سہتی فوق العادہ بر قلوب اہل
 نمودہ میستوان گفت کہ وقت ایرانیہ را ہمیدی تازه و فسخی بی اندازہ
 رسیدہ او کمال ایمنان بملت روی دادہ و امیدوارند کہ با سہ لازمہ
 ترقیات غیرہ است مقامت سہب فانی کردہ ما دمست و لطف و توجہ
 کہ ایضات قدس شہنشاہی اہل اللہ و تہذیب ایشان دہشتہ و دارندہ از خیر
 تحسیر میریست آشدہ از آن را میستوان از سواد فرمان بدیدہ و تہذیب
 ہمایونی استنباط نمودی (بقدر جوہرہ میستوانہ جوہری)

(سواد دستخط ہمایونی)

جناب اشرف صدر اعظم از آنجا یک ماہ میدارم کہ از آن است
 کہ این مثل مدارت را بشاد او ہم شب روز آرام نذاید لہذا این
 دستخط را عرض میکنم در امور است کہ بشامی نویسم در جمیع امور است
 در کمال وقت رسیدگی بخسیدہ کار با بطور صحیح تمام رسیدہ خاطر ما را
 انشاء اللہ تعالی از ہر بہت آسودہ کنید فی شہ ربیع الثانی ۱۳۰۹

(سواد فرمان ہمایونی)

جناب اشرف صدر اعظم از سہ عینیکہ مثل مقام مدارت را بعدہ
 جناب شما و گذار و توفیق فرستہ نمودیم مل و حدہ یک بہ امور دولتی و سلطنت
 از شخص شما ہمہ اہمیت شما از جہت ذوی و کلی کار با کھن و مشول میداریم در
 شخص شما باید در تمام امور و جہت و عارضہ و لشکری و کشوری حیوانات و عملیات
 مخصوص و غیر مخصوص بدون تشا امدی استقامت صبور کہ مقرون ہر نہ و صلاح
 مملکت و ملت آیند از غل و نصب و خطہ و در جہت او نظم و ارتقا
 بدون هیچ ملاحظہ صغیر و ایدہ و از امدی رعایت و اعراض بشہدہ
 و سہکس حق نذارد اجازہ شہود را دہا شدہ و مستقامت استہدای
 ہر شکر کہ مصلحت در اجراء یابد علاوہ بر خستیا تمامہ کہ دادہ ایم کہ
 صورت کردہ و دستخط آن نوشته شود و بفرستیدہ کہ بدون تغلیر
 مقرون صحت و امد خاطر ہمہ یک از ترقیات ساعدہ را ہم کہ نصرت

بدون ملاحظه شخصی از امری برضی ساینکه شرف قبول نمودن خواهد شد
و هیچ فردی از بقایای مالی و دانی ازین حکم خارج بستی نیست با
وقت قلب و استمار بفضل مذا بر طبق این دستخط کار و اجرای این دستخط یا
فنی یازدهم شهر ربیع الثانی ۱۳۱۶
(ایضا)

وقایع مجاری جبل المتین میسرید که در همان ایام دستخط آفتاب خط دریا
جناب اهل آقای قوام و فرستونی اول توسط صدارت علی در ملاحظه شد
که سواش موجب نیست

(سوا و دستخط مبارک همایونی)

جناب اشرف صدر اعظم شده چی که در باب قوام و فرغ عرض
کرده بودید همین قدر ملاحظه شد ما با کمال التفات را با و داریم که بیخ
شده در صبح با ولایت است نمودیم که در پیست در شهر ربیع الثانی ۱۳۱۶
(جبل المتین)

جناب امیر آقا قوام و فرستونی اول از خانه زاده ای طویل محرم
و از ارکان و دشمنه دولت ابدت سالهای سال است مشغول شده که از کار
در جمع خدمات عمده بوده است چنانچه سالهای سال در زمان شاهنشاهی
شهبه قورالنه سفیر از اجنه او حضور صدارت و شغل پیشکاری و استواری
کل وزارتات بینه جات دولتی مقنن در فراز بود این اوقات که وجود بک
بنده گان حضرت سنا بی اشرف امجد اکرم انجم میرزا علی امیرخان صدر
اعظم و امت نموده صدارت علی را بمن قدم همیشه از دم نشان
میزننده بوده اند جناب معز ایله را مورد در احکم که در دست بود
پیش کاری شخص خودشان در دفتر استیغای دولتی بر قنده بود و در
دست جهان مستطع مبارک فوق بر افرا زکر دیده اند اداره جبل المتین

(بکمال سزت قلبی تبریک میکند قابل توجه ولایات حکام ایران)

اولین قرض نامور بود ولایات حکام فراهم آوردن اسباب آسایش در جاهت
ط است بقدریکه انتقال امور سناش مانع از آسایش می نیاید هیچ امر
نیست پس اولین قرض نامورین حکام ولایات در دفع انتقال امور سناش
طت به قیمت اول دفع و دفع عمل حکام با فلات همین در انبار مانده
در مایای قریب چون باران کرنگی بر خود پیچید دوم آنکه اگر در حقیقت سنا

ملک باغات ارضی و سماوی منسوب شده و واقعا ملک که موجود است
و عاشر مردم تشادات دارند تا در کسبوبات بهر وسیله می شود از عاشر شود
پرد واضح است که فغان شش عطار و قابل نیستند از ادیکار و لندن فلبهجه
خود طلب کند این نقطه حکام است که بجز به تجارت معمول باشد تا در کسب
امر در کمال سهولت و اعظم و طائف نامورین و حکام و وقت است از
روی قشقه مردم شماری عدد و نفوس اداره خود را یکگزده از روی سوس
مقدار زراعت آن ملک را بدست آرد و آن مقدار حاصل را برده و در
تقسیم غایب این قسم که یک نفر و سیال اند از جوابات لازم دارد و از روی
دفع محرک حساب دخول و شروع فلان را بنامه اگر بزرگواران است
مانع از شروع شود همین قدر که از روی حساب معلوم شد که از وقت تا
بازیدیم در منع غایب این حکم طبعا دفع فلی ملک است اگر حکومت بینه خط
از ادای تجارت را نمیکرد و شروع فلان از بینه و سنا منع میسند
بسیار اهل بینه باین فلی عظیم و چهار بینه ذولی از طرف دیگر و حتی از
روی حسابات مذکور تصور کرد که بینه و سنا از فله حاصلت میسند
لیون صرف کرده از شرق و غرب عالم فطلب نموده و سنا کی که ممکن بود
جان رعایا را کرد و سمولین ملک هم بر کس بقدره خود در بازاره قله زدگان
پیش کرده و این امر بود این بود که میل حکام را با حساب سینه بینه
حکومت بینه جسته در مواقع مخصوص یک نارفت با بد بینه و بعضی تغییرات
ملکی که چندان ضرورت نیست حکومت بینه ایام قله کرده و بینه مردم
لمساید و چاره آنها را نمود و حالت یافت شروع در کار با میکند و دم
کامیکنند و در میسند درین امر تا فاده مرتب است با طبیعت طبت
عادی بخت خوری میکند و دم ملک سسر میسند و دم دولت بینه
در نقصان نمی نماید اما در اوقات آشکار که فاطمه ایران را در چهار در قمار
کرده جهانت که انبارهای دولتی از قبله مخکین گرفتند و قانون
یکارند هرگز بفرقت خود در میان پوشش سیرات حسن نماید و معلوم شود
بدون استنای همان فلات دولت تصرف کند خود و این عمل در ایام
کراتی باشد یا از انانی امید داریم که حکام و نامورین ولایات ایران بینه
غز برین مسنون بگرده و اندک نموده و کار و دانی جسم بینه بینه
و دفع کراتی و دانی ایران شروع طت ایران بینه بر سر نهان بشود
تو در ماکتس است سس
در اسامی زلزله شخصی آمده است در شکاک و طبیعت که کراتی زلزله

در اسامی زلزله شخصی آمده است در شکاک و طبیعت که کراتی زلزله

اشدت داشته که از طریق های طاق اشیاء بر زمین ریخته ولی این زلزله
دوای داشته است

مسکنه راه آهن همسایه زمین کاوون با دو لنگه کرسی و هفت میل است منقده
گشته که راه آهن ساخته شود چه سلسله یون روپیه هم در صرف این عمل منقده
شده است

جامع العلوم ندوة العلماء در کنگره افتتاح شده خداوند کایمانی در
(قابل توجه مختصر کمالی)

این امر چندین لازم تشریح نیست که مقصود اصلی جبل الیتین من باب قضاء
انجمن اعظم تشاویة اسلام که سلسله جنبانی شده و با پولیتیکا نیست چنانچه
مادرین مسنون را بنده الی الین موجود است چنانچه بهر مناسبت اسلامی با
مثل میسه خار و کجیل در تبریز این اخبار روزانه اخبار دلی و غیره میسرود

بمسکه یک رای خود را در تأیید این عنوان ظاهر کرده اند شک نیست که
آدرست در مشکله میش شود فائده آن بیشتر است ولی نه قسمی که از روش

علام خارج شوم ولی سبب در طلب صبی برده مان کم تحسب خبری از اینها می
اسامیل مان رئیس و مالی و مودعی محمد منور خان رئیس کالج از موقوف

ما خارج شده اگر چه اتفاق با کرده ولی سلطان اورد پرده از نتایج پولیتیکا آن
سروش ساخته اند لا باید دانست مقصود اصلی جبل الیتین اصلاح حال سلیمن

تام روسی زمین در آن مسند ان بوده تا لازم شود در دم قابلیت که
خسبه ایهای ملی تمام اسلیان نظرا فته حالت آنها را قابل اصلاح ندانیم

و منغله و کجای موهومی چسیده نتیجه میرسد در تباهی اسلام از اقدام در
کالکوس تشاویة بیکرم افوس که همین خیالات پست مسلمانان پست کرده که

اگر این وقت مسلمانان حال شان قابل اصلاح نباشد میم که روز بروز در حالت
آنها برتر شود صد سال دیگر چگونه اصلاح بریز خواهند بود از همین پست

همی دانست که مسلمانان ماین مانک نه لذت نشسته اند از این لحاظ شده سبب تنگ
مسلمانان بهمانا اختلاف تشبه و می کرده دولت بزرگ اسلام اندیشا و آد

این دو وقت رفع تمام تقاضات الایر را چنانچه جبل الیتین صرف سلسله جنبانی
اختیار این فرماست و مقصود از کالکوس تشاویة جمع شدن روسای این

لغت بزرگت و یکسبب و کرفع تبانیات اختلافات سیاسی این فرقه
مثل آنکه روسی کالیک و کسب کج آف آنکند رفع اختلافات خود را کرده

حقیراقت نوشتم که شدت سالیان عظام اسلام در مسند منور نیست که با
شکست آرای سلیمنون فرنگ کرده و جمیع علمای اسلام در یک نقطه وضع

مانند اختلاف مذمبی ابداع میجو لیک نیست و سپس که این امر
سیاستی ظاهر کند که با از عوامل سیاست بی بهره است لهذا با کمال ادب

از عاقله و شندان خود استکباریم که مقصود اصلی ما اینست که در آن امر بحث
نمایند چه بحث کردن بدون نقل از خوان اصحا حاج میشود و علاوه بر این

که به نام این بحث خود استکباریم تمیز بر عکس خوانیمشده البته اختلاف را
مسلمانان را پیش تر خواهد کرد و من میبیم در عین حال بحث خواهیم کرد

بک این عنوان مولوی کاسینی را فایده طلب کرده که با کمال آساف میگویم که
که بحث درین عنوان لازم نیست دولت علیه عثمانی نیست خوش آمد و چنانچه

و تعلق انگلیسان مسیح شمرند از دو دولت انگلیس از وقت قدرت و دولت
عثمانی زیاد که بر مولوی کاسینی واقف است بجهت میگویم که تعلق کاسینی

مولوی موصوف چه تمیز نمینند و چه این تصور میکنند که با خود احمق است
یا سزاوار خود شریک کند و ما احمق سازد و تعبیر این است که مولوی منور خان

که اظهارش از چهار دیواری کالج تجاوز کرده از یک دانسته است که دولت
علیه عثمانی قابل نیست که باولی دولت از او پامتا کند یا سیون با نفاست

انگلیس لسانا خوانان صداقت راستی اند و از خوش آمد قدرت دارند مولوی
منور خان بجزئی دانسته باشد و اینست که اگر یکدیگر با یکدیگر

از دول عظام اروپا در دولت عثمانی بر میزان بنده دولت علیه عثمانی بر آید
گذشته بر این اگر این مسنون تعلق نیست بحث بجز کجا ندان این عنوان

چون منی دارد افوس که ما خود را مسلمان بگوئیم و در دولت اسلامیان باید
سامی ششم افوس افوس افوس

(اخبارات خارجه)

دولت آلمان منظر نموده است که دریا که راه دولت انگلیس فرود
اینجسره سباب تشویش امارت ترنوال خواهد شد

علی القبول انما لکن بنا در فارس اجاب عمده الامراء العظام قایم از اموال
دریا یکی میباشد و عامه مردم هم کمال رضایت را دارند مسلم الیه از دیر

زمانیست تا بهر سلیح فارس میاید و واقف از حالات بنا در امید است
رضی تمام انقشاشات شود

در حقه از ادیک این وقت بیصد و دوازده ملیون و الی دریال نقد
موجود است

اخبارات ترکی در پیغمبر تمیز تهریف شانی از حضرت طالب اهل کرم فم آقا میسرود
در پیغمبر از دولت علیه ایران نیز اخبارات ترکی میگویند بانی کاوون دولت

(اعلان و شکر)

بزرگ اسلام این دو محترم سلام خواه است نیز قسمی که وزارت عارفه ایران
ایام از تاج امیرین که بخواهد میر و سیاست منظم در ترقی استیج زانی بوده است
علاوه برین هم خیلی طرح این وجود محترم اند

من با جباریه با دولت پایانه و دست او ملین با ایند هزار ریال است
ایرکاو و بر جمع آوری نموده بود یکصد و بیست ملین در جنگ اسپانیا
خرج شده باقی را هم نموده اند که در ویدان و یاد و تحت حریت صرف نمایند

بوجوب بکارش خجارات ترکی اعطای خدمت در سلطان عثمانی ایضاً در تبرک
شاهنشاهی ایران را هم انجام داد و دولت اسلام قبول کرده اند ولی
اجنابت ایران و وقایع بخاران اوزین حسودان با خبری نداده اند این

رو بخت در موضوع علی العباد لزوم ندارد تا خبر سوئق با بر
بویسکه وقایع بخاران جبل المتین و اخبارات ایران می نویسند از
زبانیکه حضرت سلطان قای نامم الدوله که حکومت طهران متاز شده اند

با سبط بصیرت عدم طبع منظم الیه کلمه نظامات شهره العارفانک و بجز
نموده عارف و خاصه در کمال آسایش اند
وقایع بخاران جبل المتین بنینوسه که وزارت کل پوستخانهات ایران هم

بجانب بلا تقابل اهل کرم انعم آقا میرزا فتح الله خان وزیر کل کمرکاشیه و
امید است که از توجهات کافیه و تاجیر صابیه ایشان روز افزون اداره
پوست که اولین بیل تجارت تریقات ملکی و قوی و کلماتی نماید و از جبل المتین

کمال شرف تملی خود اظهار داشته تبریک یکویه
والاحضرت مذکور در ترمسبوسی اعطای خدمت سلطان حکم اکتوبر با جاری
دارد و اسلام قبول شده

از حالات پرتیکافیه و اختلافات بزرگی که میان دولتت بروز کرده غالب
سیاستون را رای بر این است که تقارب در فیه منتهای سلطنت
قائم شود

در دوم ماه اکتوبر در پاریس کانفرنس بین با صلح پایانه امریکان مقصد گردید
و آنت صلح و شرایط آنرا منضمی خواهد بود که از
افزاه است که میان اسپانیا و فرانسه اندر روس چرخلاف دولت انگلیس

در افریقا است و مثلثی قائم خواهد شد
در سه ماه گذشته حساب شده که پنج ملین و شش صد هزار پوند دولت
جبل المتین منصفانه تجارت کنجی واقع شده

بوجوب خجارات ترکی در سلسله کربت امیر الدوله سلطان مشا و حرکت سلطان
جلال العالی

جناب فیض آیاب غیره العلماء السلام آقا میرزا فتح الله خان که کرامی فرزند حساب کتاب
شیرتقاچه العلماء السلام زبده الفقهاء الکرام مع السعول و المتقول القلیه و بزرگوار
در سال آقا زینبیه طلاله مبارک شامی وقت و دولتت که همی وقت که حضرت
جبل المتین را در شنبه مقدس تمام خط مبارک خواندند است بهت رسانید و شایسته
اداره جبل المتین بین خجانات خود فرموده امیر از لشکر اجناب فیض آیاب قاسم
شکرین محترم تمام حکومت خجانات اسلام که ازین جهت در سمرات خجانات
(ایضا)

جناب جلالت مقامات جناب قای سید الملک امام قبال از راه معارف
پروری زحمت و کالت اداره جبل المتین در دهان بدست است خود گذارد
اداره جبل المتین را بین خجانات خود فرموده اند و در حال موجود که در سمرات
در مملکت باز دارند

ایضا جناب شیخ ابیت آقا میرزا آقا از راه معارف پروری زحمت
و کالت اداره جبل المتین در دامن قبول فرموده اند و در کمال شکر ایشان
جناب اسلاطین با ارباب قایم از راه معارف سلب از راه معارف

در کمال شکر ایشان و کالت اداره جبل المتین از تبریک خود نموده و از خود شکر خجانات
ایضا و کالت سمنان اداره جبل المتین را به سید السلطان آقا میرزا مصیبه
رئیس پختن مبارک سمنان پیش خود گرفته مار اشکور نموده اند

ایضا جناب سید الخاقان آقا میرزا احمد خان رئیس پختن از قبول کالت
جبل المتین در تبریک شکر سمنان
ایضا جناب اسلاطین سید السلطان قای میرزا رئیس پختن از قبول کالت

و کالت اداره جبل المتین در نشا پر اداره اشکر گزار نموده اند
ایضا جناب سید السلطان آقا میرزا آقا رئیس پختن از کالت اداره
جبل المتین را به بجزند تبریک خود گرفته اداره را منضمی خجانات

استدکین محترم این ولایات که در امورات بر آید اداره رجوع
ادای اینجاست و غیره رجوع بیکل محترم آن ولایت نمایند
چون تمام این ولایات مذکوره تحت کالت در کمری طهران که بریاست

جناب فیض آیاب آقا میرزا سید حسن کاشانی خلف در حرم
حسبه الاسلام آقا سید محمد رضای کاشانی باشد و وکلای منظم
هم خود ایشان معذر کرده اند لکن روی حساب کلای محترم باید با خود

آقا میرزا سید من موصوف شهاب اداره از تمام کلای محترم خود شکر است
جلال العالی